

پذیرش گوناگونی‌ها در مدارس، بسترساز آموزش و پرورش فراگیر

سمدساعی منش / مجتمعه آموزشی طاها(شیراز) / کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

چکیده

جوامع انسانی بطور طبیعی متشکل از گستره‌ی وسیعی از تفاوت‌هاست، بخشی از این تفاوت‌ها مربوط به شرایط جسمی، حسی و ذهنی افراد جامعه است که به اصطلاح این افراد معلول یا دارای ناتوانی نامیده می‌شوند. بررسی روابط بین فردی این گروه و افراد عادی جامعه از جهت پذیرش یا عدم پذیرش متقابل حائز اهمیت است. در این پژوهش روابط بین دانش‌آموزان عادی و همسالان دارای ناتوانی در قالب یک پژوهش کیفی مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب که در ۱۰ مدرسه ۱۹ نفر دانش‌آموز دارای نیازهای ویژه و ۳۹ نفر دانش‌آموز عادی مشغول به تحصیل در مدارس تلفیقی مورد مصاحبه قرار گرفته و با استفاده از روش مقایسه‌ی مداوم^(۱)، مطالب حاصل از مصاحبه‌ها در قالب ۴ مقوله جمع بندی شدند که این چهار مقوله عبارت بودند از: ۱. دوستی ۲. رفتارهای آزار دهنده ۳. رفتارهای حمایت آمیز ۴. جداسازی / عادی سازی. نتایج نشان داد که بیشتر دانش‌آموزان عادی تفاوت‌های موجود در همسالان خود را پذیرفته و روابط دوستانه‌ی توأم با حمایت بین آنها وجود دارد، رفتارهای آزار دهنده به حدی نبود که مانع از حضور دانش‌آموزان دارای ناتوانی در مدارس عادی شود. هر دو گروه معتقد بودند نباید در مدارس اقدام به جداسازی و گروه بندی دانش‌آموزان نمود.

مقدمه

در تمامی جوامع، آموزش و پرورش با طیف وسیعی از افراد روبرو است که بسیار باهم متفاوتند، این تفاوت‌ها

ممکن است مربوط به نژاد، فرهنگ، شرایط جسمی، حسی و ذهنی فرد بوده و یا برخاسته از محیطی باشد که فرد در آن رشد کرده و تربیت شده است. تردیدی نیست که کودکان با پیشینه فرهنگی اجتماعی متفاوتی قدم به مدرسه می‌گذارند، به عبارت دیگر هر کودک در مدرسه ویژگی‌ها، علائق، توانایی‌ها و نیازهای یادگیری منحصر به فرد خود را دارد. بنابراین، مدارس امروز نیازمند رویکردی متفاوت به مقوله‌ی تربیت و فرهنگ پذیری هستند. رویکردی که خودرأپاسخگوی تمامی کودکان، با هر نوع توانایی، علاقه و پیشینه می‌داند. دکتر پیترسون از اتحادیه مدارس جامع نگر، (به نقل از لورمن و دیگران، ۲۰۰۵) نیز در این باره اظهار می‌دارد: در سراسر دنیا دیدگاه متفاوتی نسبت به جوامع در بین بسیاری از مردم رشد کرده است آنها جوامع را به عنوان جایگاهی می‌بینند که تمام اعضای جامعه را در بر می‌گیرد و همه‌ی آنها نیز دارای ارزش و احترام هستند. آنها پی برده‌اند که شکل‌گیری ساختار اجتماع فراگیر بایستی از مدارس آغاز شود.

اینکه باید به کودکان یاد داد چگونه با هم زندگی کنند، چگونه با هم کار کنند و نه فقط یکدیگر را تحمل نمایند بلکه تفاوت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و همچنین تفاوت‌های ناشی از ناتوانی‌های حسی و جسمی را گرامی بدانند. ما تقریباً خلاف این وضعیت را آموزش می‌دهیم، یعنی ساختاری مبتنی بر جدا سازی و نخبه-پروری.

مدارس کنونی نیازمند رویکردی هستند تا با استفاده از آن بتوانند آغوش خود را به روی تمامی کودکان بکشایند و

آموزشی را برای جذب بیشتر و بهتر دانش‌آموزان تغییر دهیم. همچنین در مطالعات بررسی حضور دانش‌آموزان دارای ناتوانی در کلاس‌های درس در کنار همسالان عادی، یافته‌ها نشان دادند که دانش‌آموزان عادی که با این گروه دانش‌آموزان تلفیق شده بودند نسبت به دانش‌آموزانی که با کودکان دارای ناتوانی تعامل نداشتند، نگرش مثبت‌تری نسبت به آنها بروز دادند، نحوه‌ی تطابق زبان خود با این گروه را یاد گرفتند، رفتارهای آزار دهنده‌ی کمتری داشتند و اوقات بیشتری برای فعالیت، صحبت کردن و بازی کردن با آنها صرف کردند و بیان می‌کردند از مشارکت با این گروه سود زیادی به دست آورده‌اند (بانج، ۲۰۰۳، جکسون و ویلز، ۲۰۰۲).

هدف از مطالعه حاضر بررسی نظرات و نوع نگرش دانش‌آموزان عادی نسبت به هم‌تایان استثنایی و همچنین نوع نگرش دانش‌آموزان استثنایی نسبت به حضورشان در مدارس تلفیقی است. به عبارت دیگر در این مطالعه سؤال ما این است آیا دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان استثنایی را می‌شناسند؟ آیا آنها را همان‌گونه که هستند پذیرفته‌اند؟ آیا با آنها رفتار دوستانه‌ای دارند؟ آیا دانش‌آموزان استثنایی از حضور در کنار هم‌تایان عادی راضی هستند؟ و همچنین آیا آنها احساس می‌کنند در میان هم‌تایان عادی پذیرفته شده‌اند؟

روش

الگوی این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است، پژوهش کیفی فرایندی است که پژوهشگر می‌کوشد تا بدان وسیله روابط متقابل بین افراد را درک کند. او با استفاده از روش‌های نظام‌دار درباره‌ی کنش‌ها و واکنش‌ها اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند، درباره‌ی معنی و مفهوم آنها می‌اندیشد، به نتیجه‌گیری‌هایی می‌رسد آنها را ارزیابی می‌کند و در پایان نتایج و دست‌آوردها را ارائه می‌نماید (مارشال و اسمن به نقل از پاشا شریفی و شریفی، ۱۳۸۰)

محیطی را فراهم سازند تا کودکان علی‌رغم تفاوت‌ها در کنار هم و با هم تحصیل کنند. از این رویکرد امروزه با عنوان فراگیرسازی آموزش و پرورش یاد می‌شود و به معنای آن است که همه‌ی کودکان می‌توانند یاد بگیرند و همه‌ی آنها حق دارند با توانایی‌های گوناگون در تمامی جنبه‌های مدرسه مشارکت داشته و از فعالیت‌هایشان لذت ببرند (مک کانکی، به نقل از سعیدی ۲۰۰۱، لورمن و دیگران، ۲۰۰۱).

با توجه به این رویکرد وظیفه‌ی نهاد آموزش و پرورش فراتر از علم‌آموزی و موفقیت تحصیلی است. بانج (۲۰۰۳) نیز در این باره می‌گوید، فراگیرسازی دانش‌آموزان دارای ناتوانی در مدارس عادی امروزه یک بهسازی و تجدید ساختار جهانی است و ناشی از این باور است که یک نظام فراگیرموجب موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی بهتر، شهروندانی رشد یافته‌تر و اجتماعی توسعه یافته‌تر خواهد شد. چنانکه اسمیت و دیگران (۲۰۰۴) نیز بیان می‌دارند مهمترین جنبه‌ای که معمولاً در فراگیرسازی از آن صحبت می‌شود، پذیرش گوناگونی‌ها و تفاوت‌هاست.

هنوز هم این باور وجود دارد که برای تربیت انسان‌های شایسته باید دست به جداسازی زد و دانش‌آموزان را در گروه بندی‌های مختلف تحت آموزش قرار داد. همان‌گونه که لورمن و دیگران (۲۰۰۵) نیز بیان می‌دارند در گذشته نظام آموزش و پرورش، دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم می‌کرد، یادگیرنده و غیر یادگیرنده، کسانی که یاد می‌گیرند و کسانی که یاد نمی‌گیرند، در پشت این نظام نیرنگی وجود داشت که تلویحاً باور داشت ما نباید وقت آموزش را برای کسانی که از کوشش‌های ما سود نمی‌برند تلف نماییم. اسلی و کوک (۱۹۹۴) نیز از تغییر در نظام مدارس حمایت می‌کنند، آنها در خصوص مناقشه‌ی شکست مدارس (در انجام رسالت خود)، دست اندرکاران را به تغییر از شیوه‌ی آسیب‌شناسی به رویکرد تعاملی فرا می‌خوانند و بیان می‌دارند به جای آنکه سعی در درمان آسیب‌های افراد داشته باشیم، کوشش نماییم که نظام‌های

شرکت کنندگان

و معلولین جسمی _ حرکتی)، دوره‌ی تحصیلی و جنسیت انتخاب شدند.

در کلاس‌هایی که دانش‌آموزان استثنایی حضور داشتند ۳ نفر دانش‌آموز عادی انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. سپس تمامی دانش‌آموزان استثنایی آن کلاس‌ها نیز مورد مصاحبه قرار گرفتند.

افراد شرکت کننده در این مطالعه ۳۹ دانش‌آموز عادی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و ۱۹ دانش‌آموز دارای ناتوانی ۱۰ مدرسه‌ی عادی بودند. این مدارس با توجه به حضور گروه‌های مختلف دانش‌آموزان استثنایی (نابینا و کم بینا، ناشنوا و کم شنوا

جدول شماره ۱: دانش‌آموزان عادی شرکت کننده در مطالعه با توجه به دوره‌ی تحصیلی و جنسیت

تعداد دانش‌آموزان	تعداد مدارس	دوره‌ی تحصیلی	
		دختر	پسر
۹	۴	۶	۳
۳	۳	۶	۳
۹	۳	۶	۳

جدول شماره ۲: دانش‌آموزان دارای ناتوانی شرکت کننده در مطالعه با توجه به دوره‌ی تحصیلی، جنس و نوع معلولیت

معلول جسمی _ حرکتی	ناشنوا و کم شنوا	نابینا و نیمه بینا	تعداد دانش‌آموزان		تعداد مدارس	دوره‌ی تحصیلی
			پسر	دختر		
۱	۴	۳	۴	۴	۴	ابتدایی
۲	۲	۲	۳	۳	۳	راهنمایی
۱	۱	۳	۱	۴	۳	متوسطه

موضوعات و شیوه‌ی ارائه سئوالات بر مبنای موقعیتی که در مصاحبه به وجود می‌آید، توسط مصاحبه‌گر انجام می‌شود. در واقع در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه از نظر شکل و ساختار کاملاً منسجم و ساختار یافته نیست. این کار بدان منظور است که هدف محقق کمک به مصاحبه‌شوندگان است تا دیدگاه‌های خود را در مورد موضوع، با واژه‌ها و عبارات خودشان ابراز کنند (مردیت گال و همکاران به نقل از نصر و همکاران، ۱۳۸۳).

مصاحبه‌گر برای شروع مصاحبه با هر کدام از دانش‌آموزان عادی، توضیحات اولیه، به بدین شرح ارائه می‌کند: همانطور که می‌دانید، انسانها به شکل‌های مختلف باهم متفاوت هستند بعضی از آنها قدشان کوتاه است، بعضی

مصاحبه کنندگان از بین افراد متخصص و آشنا با دانش‌آموزان استثنایی در گروه‌های مختلف انتخاب شدند. آنها پس از مراجعه به مدرسه ابتدا دانش‌آموزان انتخاب شده عادی و سپس دانش‌آموزان استثنایی را مورد مصاحبه قرار دادند. برای دقت در ثبت اطلاعات تمامی متن مصاحبه‌ها روی نوار ضبط می‌گردید. روش مصاحبه در این پژوهش روش هدایت کلیات بود که این روش در بر گیرنده‌ی تشریح مختصر و کلی یک سری از عناوین و موضوعاتی است که باید با شرکت کنندگان در پژوهش بررسی شود. در این نوع مصاحبه ترتیبی که بر مبنای آن موضوعات باید بررسی شود، واژه‌ها و جمع بندی سئوالات، از پیش تعیین نشده و تصمیم‌گیری در مورد طرح

آنها تحصیل کنند و همچنین آیا دانش‌آموزان استثنایی مدرسه عادی را ترجیح می‌دهند.)
 واژه تداوم بر این امر تأکید می‌کند که مقایسه و اصلاح مقوله‌ها آنقدر تکرار می‌شود تا سرانجام مقوله بندی به نتیجه‌ی رضایت بخشی منتهی گردد. با استفاده از مقایسه‌ی مداوم، پژوهشگر معنی هر مقوله را روشن می‌کند، مقوله‌ها را به طور کامل از یکدیگر جدا می‌کند و در می‌یابد کدام مقوله در پژوهش او اهمیت بیشتری دارند. پژوهشگران در پژوهش کیفی این اصول را برای تدوین مقوله‌بندی به کار می‌برند، مقوله‌ها را بطور مستقیم از داده‌ها استخراج می‌کنند، به عبارت دیگر، مقوله‌های تدوین شده در داده‌های خاص جمع‌آوری شده ریشه دارند. مقوله‌ها علاوه بر توصیف پدیده‌ها آنها را نیز تبیین می‌نمایند (همان منبع)

بررسی مقوله‌های چهارگانه ✓ دوستی

یکی از جنبه‌های مهم تحصیل برقراری ارتباط دوستانه میان دانش‌آموزان همتا، با یکدیگر است. عاملی که باعث می‌گردد دانش‌آموزان در محیط مدرسه با علاقه حضور یابند. دانش‌آموزان استثنایی نیز همچون دانش‌آموزان عادی نیازمند برقراری ارتباط دوستانه در محیط مدرسه هستند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان عادی و استثنایی در تمامی دوره‌های تحصیلی رفتار دوستانه وجود دارد.

علی، کلاس دوم ابتدایی

- آرمین که سمعک می‌زند در کلاس دوستی دارد؟
- بله، همه‌ی دانش‌آموزان دوستان او هستند.

شبنم، کلاس چهارم ابتدایی

- یکی از دانش‌آموزان کلاس شما نابینا است، اسم او چیه؟
- سارا

قدشان بلند است، بعضی لاغر هستند، بعضی چاق هستند، بعضی رنگ چشمانشان سیاه و بعضی رنگ چشمانشان سبز است و بعضی هم برای بهتر دیدن عینک می‌زنند و یا بعضی نمی‌توانند بخوبی دیگران ببینند. بعضی هم قادر نیستند تکالیف مدرسه را بخوبی انجام دهند. تو می‌توانی تفاوت‌های دیگر را نیز بیان کنی؟ آیا در کلاس شما دانش‌آموزانی هستند که به نظر تو با دیگران متفاوت باشند؟ می‌توانی آنها را نام ببری؟ همچنین، مصاحبه با دانش‌آموزان استثنایی با طرح سئوالاتی آغاز می‌شد، مبنی بر اینکه چه مدتی در این مدرسه مشغول تحصیل هستی؟ آیا پیشتر در مدرسه استثنایی تحصیل می‌کردی؟ چرا به این مدرسه آمدی؟ و سپس با طرح موضوعاتی در زمینه‌ی احساس وی از بودنش در کلاس و مدرسه عادی و نوع ارتباط دانش‌آموزان عادی با وی، مصاحبه دنبال می‌شد. پس از انجام مصاحبه و پیاده شدن تمامی پاسخ‌ها از روی نوار کاست، متون مصاحبه‌ها تماماً بازنویسی شد و پس از کدگذاری متون، شیوه‌ی مقایسه مداوم (پاتن، ۱۹۹۰) مورد استفاده قرار گرفت.

متون بازنویسی شده چندین بار از ابتدا تا انتها خوانده شد و بخش‌های مهم پررنگ و برجسته شدند. در این مرحله، الگوها و موضوعات اصلی پدیدار شدند و دیدگاه‌ها، دسته‌بندی‌های فکری و نظرات از لابلای داده‌ها آشکار و در قالب الگوهای مختلف دسته‌بندی شدند. این ۴ مقوله عبارت بودند از:

۱- رفتارهای دوستانه (آیا دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان استثنایی با هم دوست هستند).

۲- رفتارهای آزار دهنده (آیا دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان استثنایی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند).

۳- رفتارهای حمایت‌گرانه (آیا دانش‌آموزان عادی در فعالیت‌های آموزشی و دیگر فعالیت‌ها در محیط مدرسه از دانش‌آموزان استثنایی حمایت می‌کنند).

۴- حضور یا عدم حضور در مدرسه عادی (آیا دانش‌آموزان عادی می‌پذیرند که دانش‌آموزان استثنایی در مدرسه‌ی

استثنایی نیز مثل ما حق دارند به مدرسه بیایند و تحصیل کنند، حمایت خود را از حضور این گروه دانش آموزان در مدارس عادی نشان می دهند.

مریم، کلاس دوم دبستان

- چرا باید یاسمن در کلاس شما باشد؟
- چون او هم مثل ما آدم است.

فاضل، کلاس سوم راهنمایی

- آیا فکر می کنی منوچهر باید در کلاس شما باشد؟
- بله

- آیا کم بینایی او مزاحمتی برای دیگر دانش آموزان ندارد؟
- خیر، خدا منوچهر را این طور آفریده است.

بعضی از دانش آموزان نیز حمایت هایشان فراتر از کلاس درس و مدرسه است و در خارج از مدرسه نیز دوست استثنایی خود را در انجام تکالیف خود کمک می کنند.

فائزه، کلاس دوم راهنمایی

- بچه ها می گویند تو در انجام تکالیف نرگس خیلی به او کمک می کنی. چگونه این کار را انجام می دهی؟
- من معمولاً بعد از ظهر به خانه نرگس می روم و باهم تکالیف مدرسه را انجام می دهیم.

شادمان، کلاس دوم

- شما چگونه به فرامرز در کلاس کمک می کنید؟
- وسایلی را جمع می کنیم، مواظب هستیم که زمین نخورد.

بیشتر دانش آموزان استثنایی نیز احساس می کردند که در مدرسه عادی مورد حمایت قرار می گیرند.

مجتبی، کلاس سوم دبستان (ناشنوا)

- آیا کسی در کلاس به تو کمک می کند؟

- چند نفر دوست دارد؟

- بیشتر بچه ها او را دوست دارند.

- چگونه فهمیدی که بیشتر بچه ها او را دوست دارند؟

- چون در زنگهای تفریح با او حرف می زنند و بعضی وقتها با او بازی می کنند.

در مقاطع راهنمایی و متوسطه روابط دوستانه بیشتر به صورت روابط صمیمی بین دو یا چند نفر است. بگونه ای که دانش آموزان معمولاً یک یا چند دوست صمیمی دارند.

شروین، کلاس دوم دبیرستان

- بچه ها می گویند تو دوست صمیمی نوید هستی که ناشنوا است.

- بله ما ۹ سال است که باهم هستیم.

- چه کارهایی را برای نوید انجام می دهی؟

- همان کارهایی که دو دوست برای هم انجام می دهند. مطالب را توضیح می دهم و یا برایش می نویسم.

درنا، کلاس دوم راهنمایی

- آیا مرجان که معلول جسمی است در کلاس دوستانی دارد؟
- بله، معمولاً تارا با او است و به او در رفت و آمد به کلاس با صندلی چرخ دار کمک می کند.

دانش آموزان استثنایی نیز در پاسخ به این سؤال نیز متقابلاً بیان داشتند که آنها هم در کلاس دوستانی دارند و در دوره ابتدایی بیان می داشتند تمام دانش آموزان دوستان آنها هستند.

محسن، کلاس سوم دبستان (کم شنوا)

- می توانی چند نفر از دوستانت را نام ببری؟

- بله، ایمان، فرامرز و بعد به همه بچه های کلاس نگاه می کند با اشاره بیان می کند، بیشتر بچه ها.

✓ رفتارهای حمایت آمیز

دانش آموزان عادی، با بیان اینکه دانش آموزان

- بله، فرشید بعضی وقتها برایم توضیح می دهد.

اذیت نشده‌اند.

احمد، کلاس دوم راهنمایی می‌گوید، نیما که یک دانش‌آموز ناشنوا است، بعضی وقتها آدم را عصبانی می‌کند و دو سه نفر از بچه‌ها هم او را مسخره می‌کنند. چند بار هم با بچه‌ها دعوا کرده است.

نیما، کلاس دوم راهنمایی (ناشنوا)

- آیا بچه‌ها تو را اذیت می‌کنند؟

- بعضی وقتها با من دعوا می‌کنند، ولی ما با هم دوست هستیم.

✓ رفتارهای آزار دهنده

استفاده از الفاظ نامناسب، مسخره کردن و درگیری‌های فیزیکی از جمله رفتارهایی هستند که موجب آزار دانش‌آموزان در مدارس می‌گردند. در این بررسی نیز مشخص شد تمامی دانش‌آموزان از رفتارهای آزار دهنده و ناراحت کننده‌ی دانش‌آموزان استثنایی آگاه می‌باشند. اما معتقد بودند که این دانش‌آموزان نباید مسخره شوند یا مورد اذیت قرار گیرند.

آرمین، کلاس پنجم

- به نظر تو چه کارهایی باعث ناراحت شدن و اذیت شدن بچه‌هایی مثل احسان می‌شود؟
- به آنها بگوییم کوره، یا اینکه جلو بچه‌ها او را مسخره کنیم و یا چون نمی‌تواند خوب راه برود او را هل دهیم.

✓ حضور یا عدم حضور در مدرسه عادی

بیشتر دانش‌آموزان عادی اعتقاد دارند که دانش‌آموزان استثنایی باید در کنار دانش‌آموزان عادی تحصیل کنند و فکر می‌کنند اگر آنها در مدارس عادی تحصیل کنند موفقیت بیشتری خواهند داشت.

مجتبی، کلاس دوم ابتدایی

- به نظر تو سهیل باید در این مدرسه بماند یا به مدرسه ناشنواها برود؟
- همین جا بماند.
- چرا؟

- چون اگر به آن مدرسه برود، نمی‌تواند دوستانش را ببیند، دلش تنگ می‌شود چون نمی‌تواند با کسی صحبت کند.

شیرین در کلاس سوم، فاطمه در کلاس چهارم و محمود در کلاس پنجم ابتدایی نیز اشاره کردند اگر این دانش‌آموزان از مدرسه‌ی ما به مدارس استثنایی بروند دوستانشان را از دست می‌دهند، بنابراین آنها باید در همین مدرسه بمانند. ۳ دانش‌آموز دختر نابینای سال سوم متوسطه که برای اولین سال در مدرسه عادی حضور داشتند اظهار می‌کردند، اگر می‌دانستیم این چنین در مدارس عادی مورد پذیرش قرار می‌گیریم از همان ابتدای

سپیده، کلاس اول راهنمایی

- آیا بچه‌ها نوشتن را اذیت می‌کنند؟
- خیلی کم.

مریم، دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی

- آیا حنانه که یک دانش‌آموز نابینا است تاکنون از سوی دیگر دانش‌آموزان اذیت شده است.
- خیر او هم یکی مثل خودمان است.

زهرا، کلاس دوم دبیرستان (ناشنوا)

- آیا تا به حال بچه‌های عادی تو را اذیت کرده‌اند؟
- خیر، دلیلی ندارد مرا اذیت کنند.

البته در مواردی نیز ذکر شده است که این دانش‌آموزان توسط عده‌ای از دانش‌آموزان عادی مورد اذیت قرار گرفته‌اند هر چند که دانش‌آموزان استثنایی اظهار می‌کنند که

رفتارهای آزاردهنده

از مجموع ۱۹ نفر دانش‌آموز استثنایی در ۱۰ مدرسه فقط ۳ مورد رفتار آزاردهنده را از جانب کودکان عادی شاهد بودند. عوامل تسهیلگر چنین رفتارهایی به طور عمده ناشی از نداشتن رفتارهای مناسب مطابق با الگوهای دانش‌آموزان عادی بود. مثلاً، پیمان می‌گوید مهشید هنگام خوردن غذا دستش را در دهانش می‌کند مثل اینکه با انگشتش غذا می‌خورد و بعضی از بچه‌ها او را مسخره می‌کنند. هر چند که بیشتر دانش‌آموزان همسالان استثنایی خود را در یک بستر طبیعی پذیرفته و با آنها کنار آمده‌اند. وقتی از شروین کلاس دوم دبیرستان سؤال شد، آیا تا بحال از رفتارهای نوید عصبانی شده‌ای و او را ناراحت کرده‌ای؟ او در پاسخ می‌گوید نمی‌شود گفت عصبانی، ولی وقتی مطلبی را چند بار برایش توضیح می‌دهم تا بفهمد آدم ناراحت می‌شود ولی من او را ناراحت نمی‌کنم.

حمایت

حمایت دانش‌آموزان عادی از همسالان استثنایی به اشکال مختلف در مدارس تلفیقی مشاهده می‌شود. مهمترین شکل حمایت شاید این موضوع باشد که بخش چشمگیری از دانش‌آموزان، همسالان استثنایی خود را افرادی مثل خود تلقی می‌کنند. در این مورد لازم نیست که فرد یا افرادی از معلمان و مسئولان این حمایت را به آنها گوشزد نمایند بلکه آنان به دلیل نوع دوستی همسالان خود را یاری می‌نمایند. طور مثال، هنگامی که از مریم، دانش‌آموز کلاس دوم دبستان سؤال شد چرا باید یاسمن (معلول جسمی حرکتی) در کلاس شما باشد؟ پاسخ داد: چون او هم مثل ما آدم است. هر چند که همه‌ی دانش‌آموزان مصمم نبودند تا بعنوان حامی و مدافع همسالان استثنایی ایفای نقش نمایند و این یکی از نکاتی است که باید در پژوهش‌های آینده مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که افزایش سطح آگاهی و

شروع دوره‌ی متوسطه به مدرسه عادی می‌آیدیم و دو نفر از دانش‌آموزان عادی نیز اظهار داشتند حضور دانش‌آموزان نابینا در کلاس ما باعث شده که رقابت بین دانش‌آموزان در فعالیت‌های درسی افزایش یابد، ما فکر نمی‌کردیم که افراد نابینا این میزان توانایی داشته باشند.

بحث

در پژوهش حاضر حضور دانش‌آموزان استثنایی در مدارس عادی مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد که در بیشتر موارد کودکان استثنایی از جانب کودکان عادی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند هرچند که تفاوت‌هایی نیز مشاهده شد. پژوهش‌های بیشتری در این خصوص لازم است که گستره‌ی این پذیرش و یا در برخی موارد عدم پذیرش مورد بررسی قرار گیرد.

در همین حال این بررسی نشان داد، تعدادی از معلمان، دانش‌آموزان استثنایی را همانند برخی دانش‌آموزان در کلاس درس خود نپذیرفته‌اند، در ضمن نمونه‌هایی نیز مشاهده شد که معلم علیرغم عدم دریافت آموزش کافی سعی می‌کرد تا با بکارگیری شیوه‌های ابتکاری موجبات پذیرش بهتر این گروه از کودکان را در کلاس درس خود فراهم سازد تا از آموزش مناسب بهره‌مند گردند.

دوستی

یافته‌های مهم در این زمینه نشانگر آن است که به طور کلی دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تلفیقی دوستانی از گروه دانش‌آموزان عادی دارند. واکنش‌های دانش‌آموزان حاکی از ارتباط عادی و ساده بین این دو گروه دانش‌آموزان است، به طور مثال احسان دانش‌آموز کلاس سوم دبستان می‌گوید اگر فرشید به مدرسه استثنایی برود دوستان صمیمی خود را از دست می‌دهد. چنین اظهار نظرهایی مبین این واقعیت است که تعاملات اجتماعی و تحصیلی بین دانش‌آموزان استثنایی و عادی به طور چشمگیری گسترش یافته است.

بمنظور عملکرد بهتر تحصیلی و اجتماعی مسئولیت دارند، هر چند تعدادی از معلمان اعتقاد دارند این گروه دانش-آموزان باید در مدارس ویژه به تحصیل بپردازند. در پژوهش‌های بعدی باید بررسی شود علت تفاوت دیدگاه دانش‌آموزان و معلمان در مورد حضور دانش‌آموزان استثنایی در کنار همسالان عادی آنها چیست؟

نتیجه گیری

نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که بین دانش-آموزان عادی و همسالان استثنایی آنها روابط دوستانه وجود دارد و رفتارهای آزاردهنده نسبت به دانش‌آموزان استثنایی به گونه‌ای نیست که مانع از حضور آنها در مدارس عادی شود. تردیدی نیست که پذیرش این گروه دانش‌آموزان توسط همسالان عادی آنها ناشی از حس نوع دوستی است و چنانچه کودکان فرصت یابند از سنین پایین در کنار هم به تحصیل بپردازند، حس نوع دوستی و دگرپذیری به شکل مناسب‌تری رشد می‌یابد.

در این زمینه هنگامی که از دانش‌آموزان سال‌های اولیه دوره‌ی ابتدایی سؤال شد که تفاوت‌های موجود در بین دانش‌آموزان کلاس را ذکر نمایند آنها تفاوت‌ها را بیشتر در اندازه قد، رنگ چشم، لهجه و نوع بیان واژه‌ها و پوشش لباس می‌دیدند و کمتر استفاده از سمعک را یک تفاوت ذکر می‌کردند. دانش‌آموزان در پاسخ به این سؤال که چه باید کرد تا حضور همسالان استثنایی در مدارس شما تقویت شود، بیان می‌داشتند، باید به آنها بیشتر توجه کنیم و با آنها دوست باشیم تا احساس نکنند با ما تفاوت دارند، معلمان هم باید در کلاس درس به آنها بیشتر توجه کنند، موقع درس دادن طوری درس بدهند که این بچه‌ها هم بفهمند، لازم است معلمان ما آموزش ببینند تا بهتر بتوانند این دانش‌آموزان را بپذیرند و به آنها کمک کنند.

این پژوهش نشان داد که تعدادی از معلمان هنوز از آمادگی لازم برای پذیرش دانش‌آموزان استثنایی در کلاس‌هایشان برخوردار نیستند و نیاز است با دریافت

شناخت مناسب نسبت به همسالان استثنایی باعث پذیرش و حمایت بهتر آنان می‌شود.



جداسازی / عادی سازی

هر دو گروه دانش‌آموزان استثنایی و عادی در مدارس تلفیقی، رویکرد عادی‌سازی را در نظام آموزشی پذیرفته‌اند و جداسازی را مناسب نمی‌دانند. فراتر از این، بیشتر دانش‌آموزان عادی اعتقاد داشتند که مناسب‌ترین محل برای همسالان استثنایی، کلاس‌های درس عادی است. هر چند که بعضی هم معتقد بودند این دانش‌آموزان به ویژه ناشنوایان و آنهایی که دچار مشکلات رفتاری هستند، باید در مدارس ویژه تحصیل کنند.

دانش‌آموزان عادی در این مدارس نیز به وظائف خود پی‌برده و پذیرفته‌اند که در حمایت از همسالان استثنایی

آموزش و شرکت در دوره‌های ضمن خدمت، مهارت‌های لازم برای پذیرش دانش‌آموزان با خصوصیات و توانایی‌های متفاوت را فراگیرند. این پژوهش در سطح محدودی از مدارس به مورد اجرا گذاشته شد. لازم است که با انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه بتوان در سایر محیط‌ها و مناطق به روابط بین دانش‌آموزان عادی و استثنایی پی‌برد. به ویژه محیط‌هایی که در تعامل بین گروه‌های مختلف افراد محدودیت‌های بیشتری وجود دارد.

زیرنویس :

1- Constant comparison

منابع:

پاشا شریفی، حسن. شریفی، نسترن (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات سخن.
 گال، مردیت و همکاران (۲۰۰۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، (ترجمه احمد رضا نصر و همکاران). (۱۳۸۳). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 مک کانکی، روی و همکاران (۲۰۰۱). درک و پاسخگویی به نیازهای کودکان در کلاس درس فراگیر، (ترجمه ابوالفضل سعیدی و همکاران). (۱۳۸۳). سازمان آموزش و پرورش استثنایی، تهران.

Bunch,G. (2003). *Student attitudes toward peers with disabilities in inclusive and special education models school*. Atkinson Faculty of liberal & professional Studies ,York University , Toronto , Canada .

Jackson .B, Wills, D. (2002).*School Inclusion*.13th world congress of Inclusion International. Melbourne, Australia.

Lorman,T., Deppeler,J.M.(2001).*Working towards full inclusive in education: The national Issues Journal for people with a disability*,(6),PP.5-8.

Lorman,T., Deppeler,J.M. and Harvey,D.(2005).*Inclusive Education*, A practical guide to supporting diversity in the classroom.Australia,allen&Unwin.

Slee, R. Cook, S. (1994). *Creating cultures in disability to control young people in Australian schools in Urban Review*, 26(1).pp. 15-23.

Patton, M. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*.Newbury Park, CA: Sage.

Smith,C.T.,Polloway E., Patton. J.R.&Doway,C.A.(2004).*Teaching student with special needs in inclusive setting*(4th ed).Pearson Education.